

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۷

## تداوم فرهنگ با تغییرات سبکی؟ چگونگی توالی از آغازایلامی به مرحله پس از آن

طاهره شکری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۹

### چکیده:

منطقه‌ای گسترده با محوطه‌هایی با فرهنگی ویژه و خاص زیر سایه نام آغازایلامی قرار می‌گیرد؛ خصوصیات آن که نشان‌دهنده سوق دادن فلات ایران به سوی شهرنشینی و تمدن است و نشانه‌های بارز شروع تمدن در آن دیده می‌شود. اما پس از این دوره چه اتفاقی افتاد؟ محوطه‌های منتسب به فرهنگ آغازایلامی که از جنوب غرب به جنوب و جنوب شرق تا شمال مرکز فلات ایران بدست آمده‌اند، پس از این مرحله با آن همه فرهنگ پیش‌تاز به نسبت مرحله قبل از خود، به چه سرنوشتی دچار شدند؟ آیا تداوم فرهنگی در آن‌ها دیده می‌شود و اگر جواب منفی است، در ادامه راه چه تغییراتی داشته‌اند؟ پژوهش پیش رو با استفاده از داده‌های باستان‌شناسی سعی در روشن شدن پاسخ این سؤال خواهد داشت که تغییرات از دوره آغازایلامی به مرحله پس از آن را چگونه می‌توان تعبیر کرد؟ مطالعات انجام گرفته به روش مقایسه‌ای - تحلیلی و براساس مدارک کتابخانه‌ای این نتیجه را در پی داشت که محوطه‌های دارای توالی استقرار از آغازایلامی به مرحله پس از آن به صورت منطقه‌ای و با تغییرات سبکی ادامه راه داده‌اند.

**واژگان کلیدی:** محوطه‌های آغاز ایلامی، تداوم فرهنگی، داده‌های باستان‌شناسی، داده‌های زبان‌شناسی.

---

۱. دکترای باستان‌شناسی دوره تاریخی از دانشگاه هنر اصفهان tahereshokri@yahoo.com

## ۱- درآمد:

پدیدار شدن سبکی یکسان در تجارب «دیوانی / اداری»، در نقوش تزیینی بر مهرها و نیز در سفال، در دوره ۳ شوش، آن هم در مناطقی که تا پیش از آن دوره، شاهی در تأیید پیوند بین آن‌ها وجود ندارد، به پیدایش «پدیده آغازایلامی» تعبیر کرده‌اند.<sup>۱</sup> این مرحله اولین بار در شوش در خوزستان، که به‌طور سنتی یکی از پایتخت‌های حکومت ایلام دانسته می‌شود، بدست آمد.<sup>۲</sup> اولین متون آغاز ایلامی در سال ۱۸۹۹ م در طول کاوشهای ژاک دمورگان در شوش، بلافاصله زیر لایه ۲ تپه آکروپولیس در ترانشه ۷، یافت شد و یک سال بعد توسط ونسایل شیل منتشر شدند.<sup>۳</sup> در واقع شوش - لایه‌های ب/۱۶ - ۱۴ - و آثار بدست آمده از آن - حدود ۹۰ گل نوشته شماری و بیش از ۱۴۵۰ گل نوشته آغاز ایلامی و مجموعه بزرگی از مهرها و اثر مهرهای همزمان - به عنوان مرجعی برای هر بحث آغاز ایلامی است.<sup>۴</sup> پس از آن در محوطه‌های دیگری چون تل گسر،<sup>۵</sup> تپه یحیی،<sup>۶</sup> شهرسوخته،<sup>۷</sup> ملیان،<sup>۸</sup> سیلک،<sup>۹</sup> با بدست آمدن الواح آغاز ایلامی، بر اطلاعات این دوره زمانی افزوده گردید. اطلاعات این محوطه‌ها گمان را بر آن داشت که محوطه‌های آغاز ایلامی را فقط باید در نیمه جنوبی فلات ایران جستجو کرد، اما بدست آمدن آثاری از این دوره

۱. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص ۵۹.

2. Brentjes & Tosi, "On Proto- Elamite Iran", p:240.

3. Dahl, *Deciphering Proto- Elamite*, p:2. Scheil, Documents en'écriture Poroto-Elamite.

4. Englund, "Elam III. Proto-Elamite", p:325, Alizadeh, "the Rise of the Highland Elamite in Soudwestern Iran", p: 371.

۵. اکبری و حصاری، «پیدایش نگارش در ایران»، ص ۲۸؛ کالینز، کوه‌ها و دشت‌ها: ایران باستان و بین‌النهرین، ص ۶۰؛ Carter "the Achaeology of Elam", p:317.

۶. علیزاده و همکاران، سیستم‌های استقرار و فرهنگ‌های باستانی دشت رامهرمز، ص ۱۵؛

Caldwel, "Tall.i Ghazir" Witcomb, "The Proto Elamite at Talli- Ghazir, Iran" p:11, .

7. Brentjes & Tosi, "On Proto- Elamite Iran", p: 241; Lamberg Karlovsky, The Third "Millennium at Tepe Yahya", p: 72.

8. Tosi, "Shahr-I Sukhta", p: 168; Pittman, "The Administrative Function of Glyptic Art in Poroto - Elamite Iran: a survey of the Evidence", p: 145.

9. Mutin & Lamberg Karlovsky, *The Proto- Elamite settlement and Its Neighbors*, p:23; Abdi, Malyan 1999; Stolper, "Proto Elamite Texts from Tall- I Malyan", p:3.

۱۰. اکبری و حصاری، «پیدایش نگارش در ایران»، ص ۳۵-۳۶؛ اشمانت- بسرات، نگارش چگونه پدید آمد، ص ۷۷؛

Girshman, "The Tablette Proto-Elamite du Plateau Iranien".

در محوطه‌هایی چون حصار،<sup>۱</sup> ازبکی،<sup>۲</sup> قلی درویش،<sup>۳</sup> و یافت شدن تعداد زیادی الواح در تپه سفالین<sup>۴</sup> دامنه نفوذ این فرهنگ را تا شمال مرکز فلات ایران گسترش داد و گستره وسیعی از فلات ایران را شامل گردید.

سیستم نوشتار آغاز ایلامی شبیه به سیستم آغاز نوشتاری در میان‌رودان است، البته نه با شباهت کامل نشانه‌ها و کمی جدید تر از آغاز سومری؛ اگر آغاز نوشتار به‌طور قراردادی شروع آن تاریخ گذاری شده از ۳۲۰۰ ق م (اوروک IV b)، آغاز ایلامی باید حدود ۳۰۵۰-۲۹۰۰ ق م باشد.<sup>۵</sup> این نکته حائز اهمیت است که اطلاعات جدید بدست آمده از کاوش‌های دشت ورامین، به‌طور مشخص تپه سفالین تاریخ ذکر شده را به زمانی پسین‌تر برمی‌گرداند.<sup>۶</sup> این مرحله زمانی که در اواخر هزاره چهارم ق م شروع می‌شود با شوش<sup>۲</sup> یا اوروک جدید در میان‌رودان متفاوت است.<sup>۷</sup> علاوه بر گل‌نوشته‌ها باید به سفالهای شاخص چند رنگ، دو رنگ، خمره‌های دارای باندهای قرمز شرابی، قدهای کوچک با لبه‌های برگشته و ساغرهای این دوره<sup>۸</sup>، همچنین مهرها و اثرمهرهای استوانه‌ای که موضوع این مهرها عموماً نقوش جانوری است؛<sup>۹</sup> و در اکثر محوطه‌های آغاز ایلامی یاد شده، بدست آمده‌است، اشاره کرد. چهار سبک مهر استوانه‌ای بر روی داده‌های

1. Dyson & Howard, *Tepe Hissar. Reports of the Restudy Project 1976; Schmit Excavations at Tepe Hissar, Damghan*;

یغمایی، «کاوشهای نجات بخش در تپه حصار دامغان، پاییز و زمستان ۱۳۷۴».

۲. مجیدزاده سومین فصل حفاریات باستان شناختی در محوطه ازبکی: همو، ساوجبلاغ و کاوشهای محوطه باستانی ازبکی؛

Dahl et al. "Chronological Parameters of the Earliest writing system in Iran", p: 358.

۳. سرلک، فرهنگ هفت هزارساله شهرقم، همو، باستان شناسی و تاریخ قم.

۴. حصار، شکل‌گیری و توسعه آغاز نگارش در ایران، همو، «دوره آغاز نگارش در شرق دشت ری، مرکز فلات ایران»؛

Hessari, "New Evidence of the Emergence of Complex Societies Discovered on the Central Iranian Plateau"; Dahl et al. "The Proto-Elamite Tablets from Tape Sofalin".

5. Oppenheim, *Ancient Mesopotamia*, p: 237; Englund, "Elam III. Proto-Elamite", p: 325; Basello, *The Tablet from Konar Sandal (Jiroft)*, p: 1.

۶. حصار، گفتگوی شخصی.

7. Hessari & Saeedi, "New Perspective from the Proto- Elamite Horizon in the Center of the Iranian Plateau", p: 33.

۸. حصار، شکل‌گیری و توسعه آغاز نگارش در ایران، ص ۷۳.

۹. آمیه، شوش شش هزارساله، ص ۲۹.

اداری این دوره شناخته شده است که شامل سبک کلاسیک، سبک سنگ صابونی شیشه‌ای، سبک خطی / برشی، سبک حجاری شده می‌شود. اثر مهرهای سبک کلاسیک بیشترین نوع بدست آمده از شوش هستند.<sup>۱</sup>

تجلی این دوره واکنشی به تغییرات سیاسی و اقتصادی در مبادلات بین منابع سرزمینهای بلند ایران و دشتهای آبرفتی رودخانه‌های دجله و فرات پیشنهاد شده است؛<sup>۲</sup> سیستم مبادلات تجاری که در سازمان دهی منابع محلی در سرزمینهای بلند ایران ظاهر شد و به درخواست منابع و ارتباط با سرزمینهای فقیر از منابع میان رودان ایجاد گردیده بود. میان رودان عملاً خالی از منابع طبیعی بود و ناگزیر به واردات تقریباً تمامی مواد خام به جز گل رس و برخی گونه‌های سنگ و نی بود. سرزمینهای مرتفع منابع و معادن غنی داشتند و در مقابل سرزمینهای پست مواد مورد نیاز خود را در سرزمینهای بلند پیدا می‌کردند<sup>۳</sup> و در واقع دوره آغاز ایلامی نتیجه رشد و تکامل اجتماعی است که در این مقطع زمانی بر اساس نیاز بیش از حد - در مقایسه با دوره‌های قبل از آن به حسابداری امور اقتصادی - به داشتن یک سیستم منجر به ابداع خط اولیه گردیده است و خود را بر اساس این گل نوشته‌ها از دوره قبل متمایز می‌سازد.<sup>۴</sup> پیاده شدن و هماهنگ کردن یک نظام یکنواخت دیوانی در مناطق بزرگی از ایران خبر از وجود یک تشکیلات سیاسی - اقتصادی نیرومند و احتمالاً متمرکز می‌دهد و آغاز ایلامی را می‌توان به منزله یک جامعه «دولت‌مدار» اولیه نگریست.<sup>۵</sup> شاید برخی مکان‌هایی که در آن‌ها الواح آغاز ایلامی پیدا شده است، پیشگامان آن پادشاهای ایلامی باشند که در متن‌های میان‌رودانی بعدی از آن‌ها سخن گفته شده است.<sup>۶</sup>

1. Pittman "The Administrative Function of Glyptic Art in Poroto - Elamite Iran: a survey of the Evidence", p: 139-142.

2. Dahl, *Deciphering Proto- Elamite*, p: 2; Alden et al. "Trade and politics in Proto- Elamite Iran", p: 613.

3. Alden et al. "Trade and politics in Proto- Elamite Iran", p: 613; ; T. Potts, *Mesopotamia and the East, an Archaeological and Historical Study of Foreign Relations Ca.3400-2000BC*, p: 1.

۴. حصاری، «فرهنگ آغاز ایلامی در ایران»، ص ۱۴؛ همو، *شکل‌گیری و توسعه آغاز نگارش در ایران*.

۵. پاتس، *ایران در اسناد میان‌رودانی*، ص ۸۷.

۶. استولپر، *تاریخ ایلام*، ص ۳۴.

پس از دوره آغاز ایلامی حجم اطلاعات در برخی محوطه‌ها تا حدودی کم شده و برخی از ویژگی‌های این دوره کنار گذاشته شده است؛ مدارک نوشتاری نیز ادامه و تکامل دوره را تا مرحله بعدی یعنی ایلام قدیم به وضوح نشان نمی‌دهند و حتی می‌توان گفت تفاوت بیان آغاز ایلامی و ایلامی خطی تأیید شده است؛ گرچه برخی از نشانه‌های ایلامی خطی شبیه نشانه‌های موجود در نوشتار آغاز ایلامی است، هیچ ارتباطی بین این دو نوشتار وجود ندارد.<sup>۱</sup> در واقع هیچ نمونه‌ای از نگارش در ایران در فاصله زمانی ناپدید شدن سیستم نگارشی آغاز ایلامی و آغاز خط میخی در حدود ۲۳۰۰-۲۲۰۰ ق م وجود ندارد<sup>۲</sup> - برخی محققان برای نشان دادن ارتباط بین متون آغاز ایلامی و متون ایلامی خطی تلاش کرده اند؛ اما ارزش هجایی پیشنهادی برای ایلامی خطی به رمزگشایی موفق آغاز ایلامی منجر نشده است؛<sup>۳</sup> - این واقعیت که این سیستم نگارش محلی پس از چند قرن بدون هیچ جایگزین مشهودی از بین می‌رود به اندازه ظهور نسبتاً دیر هنگام نگارش در شوشان عجیب است. نگارش آغاز ایلامی توسعه نیافت و هنگامی که کاربرد آن متوقف شد تا بیش از ۵ قرن نوشتار دیگری جایگزین آن نشد؛<sup>۴</sup> اما اطلاعات ناچیز بدست آمده در این فاصله زمانی نیز می‌تواند ادامه روند تکاملی این جوامع را با تغییراتی در هریک از آن‌ها گویا باشد و در این میان مدارک نوشتاری بدست آمده از همسایه غربی یعنی میان‌رودان بر ادامه روند تکاملی این جوامع صحنه می‌گذارد. اما از آنجایی که سیر تکاملی نگارش آغاز ایلامی به ایلامی خطی با وقفه همراه و تاکنون شواهد محکمی برای ارتباط این دو خط به‌طور واضح یافت نشده است؛ و «با آنکه متون ایلامی پیش از اواخر هزاره دوم ق م اندک هستند، تأیید مکرر ایلام و ایلامیان در متون میان‌رودان از هزاره سوم ق م به این سو و تاریخچه درگیری‌های نظامی میان‌رودانی-ایلامی تا ۲۰۰۰ سال قابل ردگیری است».<sup>۵</sup> بسیاری از نام‌های ایرانی در

۱. کالینز، کوه‌ها و دشت‌ها: ایران باستان و بین‌النهرین، ص ۹۰.

۲. کالینز، کوه‌ها و دشت‌ها: ایران باستان و بین‌النهرین، ص ۶۰؛ دال «ارزیابی دوباره نگارش آغازین»، ص ۴.

3. Englund, "Elam IV. Proto-Elamite", p: 326.

۴. نیسن «زمینه ظهور نگارش در بین‌النهرین و ایران»، ص ۱۰۱.

۵. پاتس، «کاسه‌های لبه‌وارپخته و نان‌پزی‌ها»، ص ۱۵.

هزاره سوم ق م را می‌توان در متن کتیبه‌های همزمان شاهانه سومری-اکدی، فهرستهای جغرافیایی، متن‌های بایگانی و قطعات ادبی و نیز در فهرستهای جغرافیایی که بعدها تنظیم شده‌اند، یافت.<sup>۱</sup> مدارک زبان‌شناسی بدست آمده از سرزمین میان‌رودان - از آن جمله اسطوره سرزمین آرت<sup>۲</sup> - نیز بر گسترش تجارت و به طبع آن افزایش تبادلات فرهنگی و رونق محوطه‌ها صحنه می‌گذارد که با کشف شبکه‌های تجاری که در شرق تا دره سند کشیده شده‌است، این مطلب به لحاظ باستان‌شناختی نیز کاملاً ثابت شده‌است.<sup>۳</sup> نام ایلام و دوره به اصطلاح ایلام قدیم در منابع سومری به وضوح قابل بررسی است.<sup>۴</sup> کتیبه‌های سومری میان‌رودان حدود ۲۷۰۰-۲۶۰۰ ق م از سومرنگار «لوگل نیم» استفاده کرده‌اند و این منابع را تا زمان آخرین شاه اوان یعنی پوزوراینشوشیناک حدود ۲۲۰۰ ق م و متون ایلامی خطی برجای مانده از او که دیگر از خود ایلامی‌ها کتیبه برجای مانده‌است، می‌توان دنبال نمود.<sup>۵</sup>

حدود ۲۹۰۰ ق م در محوطه‌های شمال مرکزی ایران فرهنگ ماورای قفقاز قدیم جانشین فرهنگ آغاز ایلامی شد و همچنین در جنوب تمام منطقه زاگرس مرکزی از گودین تپه تا ملیان و نیز دشت شوشان شاهد کاهش در اندازه زیستگاه‌ها بود؛<sup>۶</sup> اما فلات ایران از هزاره سوم دارای مراکز عمده شهری بوده‌است که انتظار می‌رود با رتبه‌ای تقریباً برابر با میان‌رودان در کش بودند<sup>۷</sup> و شبکه‌ای ابر منطقه‌ای به سمت شرق و در بخش جنوبی فلات ایران، در مجموعه‌ای از شهرهای دور از

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پایگاه جامع علوم انسانی

۱. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص ۱۱.

۲. رید، بین‌النهرین، ص ۹۴؛ کرامر، الواح سومری، ص ۱۲؛ منصور، «سرزمین آرت».

۳. ساخت، «فرهنگهای تاریخی اولیه»، ص ۳۵۰.

4. Steible, Die Altsumerischen Bau- und Weihinschriften I-II, p: 213-218; Gelb & Kienast, Die Altakkadischen Königsinschriften des Dritten Jahrtausends V.

5. Potts The Archaeology of Elam, p: 87, 122.

۶. کالینز، کوه‌ها و دشت‌ها: ایران باستان و بین‌النهرین، ص ۷۲.

۷. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص ۳؛

T.Potts Mesopotamia and the East, an Archaeological and Historical Study of Foreign Relations Ca.3400-2000BC, p: 2.

هم متمرکز شد.<sup>۱</sup> با آغاز هزاره سوم ق م و پیدایش نخستین شهرها افزایش چشمگیری در تعداد و اندازه استقرارها در حوزه فرهنگی جنوب شرق دیده می‌شود؛ در هزاره سوم با پیدایش شهرهایی چون شهرسوخته، جیرفت/کنارسندل و شهداد و افزایش محوطه‌هایی در حکم استقرارهای اقماری این مراکز روبه‌رو هستیم<sup>۲</sup> که نشان‌دهنده این موضوع است که علاوه بر سرزمین مرکزی ایلام و شوش، پس از دوره آغاز ایلامی همچنان در مراکز و مناطقی [در شرق] رونق دیده می‌شود و شاهد شکوفایی تمدن در مناطقی هستیم؛<sup>۳</sup> از سوی دیگر در حاشیه شمالی فلات در تپه حصار و در دشت گرگان، از دوره آغاز ایلامی با کنار گذاشتن سفال منقوش و روی آوردن به سفال خاکستری از سنت پیش از تاریخ فاصله گرفت و در هزاره سوم ق م تحولی در آن‌ها ایجاد شد به طوری که محل استقرار صنعتگرانی شد که حامی یک شبکه گسترده تجاری بودند.<sup>۴</sup> این شکوفایی و رونق در محوطه‌های یاد شده در شرق و شمال فلات/ دشت گرگان، احتمالاً ریشه در رونق تجارت داشته است، به طوری که مدارک باستان‌شناسی بدست آمده نشان می‌دهد در خلال هزاره سوم ق م گسترش تجارت در مسیرهای گوناگونی که از فلات ایران می‌گذشت، روابط سرزمینهای غربی و شرقی را هرچه بیشتر برقرار ساخته بود؛<sup>۵</sup> احتمال زیادی وجود دارد که این استقرارگاه‌های شرق و شمال فلات- از رهگذر استخراج و تجارت منابع معدنی فلات ایران رونق یافتند، چرا که برای مواد خام تقاضاهای زیاد و همیشگی وجود داشت<sup>۶</sup> و در طول نیمه اول هزاره سوم، ارتباطها به احتمال قریب به یقین بر مبادله اقلامشان استوار

۱. رایت، «پسکرانه‌های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستین»، ص ۳۰۶.

۲. اسکندری و همکاران، «باستان‌شناسی پیش از تاریخ در جنوب شرق ایران»، ص ۱۸۵.

۳. آمیه، شوش شش هزارساله، ص ۳۱.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. رفیق مغول، «پیوندهای فرهنگی سند و پنجاب با ایران در دوران پیش از تاریخ (۵۰۰۰-۱۰۰۰ ق م)»، ص ۱۵-۳۰.

۶. کرتیس، «بین‌النهرین و ایران در دوران باستان»، ص ۲۰.

بود؛<sup>۱</sup> این ارتباطات تجاری گسترده به شکوفایی محوطه‌های قرار گرفته در این مسیرها و رشد و رونق هرچه بیشتر شهرنشینی در آن‌ها شد.<sup>۲</sup>

## ۲- بحث و تحلیل:

گسترده‌گی و یکپارچگی محدوده آغازیلامی‌ها در اوایل هزاره سوم کم‌رنگ شد. محوطه‌های با عظمت این دوره چون شوش و ملیان دچار افول شدند، محوطه‌های دیگری چون گسر یا محوطه‌های شمال مرکزی همچون سیلک و سفالین کاملاً متروک گردیدند. نوشتار آغازیلامی در همه محوطه‌ها کنار گذاشته شد؛ ویژگی‌های سفالی و مهرهای شاخص آغازیلامی دیگر در محوطه‌ها دیده نمی‌شد و معماری‌های اداری متروک گردید؛ اما در جنوب شرق محوطه‌ها جلوه دیگری یافتند، شهرسوخته و شهداد که ریشه در دوره آغازیلامی داشتند در کنار محوطه‌های هزاره سومی چون کنارصندل رونق و گسترده‌گی پیدا کردند. حصار نیز در شمال به روند گسترده‌گی خود ادامه داد و به روابط تجاری خود افزود. مهرها شمایل تازه ای یافتند و سفال‌ها در محوطه‌ها ویژگی تازه‌ای پیدا کردند. در شوش و ملیان دو مرکز اصلی آغازیلامی نیز هرچند روند استقرار ادامه داشت اما نه با عظمت دوره آغازیلامی و نه با داشتن ویژگی‌های خاص آن دوره. در دو محوطه مرکزی و اصلی آغازیلامی یعنی شوش و ملیان با توجه به اطلاعات بدست آمده هرچند اهمیت اولیه و بارز دوره آغازیلامی کم شده و شاهد کنار گذاشتن برخی ویژگی‌های شاخص و اصلی هستیم که فروکاست جامعه آغازیلامی را به نسبت اوج قدرتش نشان می‌دهد اما روند استقرار همچنان ادامه یافته، برخی ویژگی‌ها از جمله در مورد برخی نمونه‌های سفالی ادامه یافته از این دوره هستند که بر از بین رفتن یا به کلی حذف شدن آن مهر باطل زده و شاید بتوان اینگونه بیان کرد که تغییر فرهنگی از شیوه ای به شیوه دیگر را نشان می‌دهد. مردمان آغاز

۱. رایت، «پسکرانه‌های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستی»، ص ۷۸.

۲. نک:



ایلامی احتمالاً به علت تغییر در مسایلی همچون تجارت که پایه و اساس ایجاد و نمو دوره آغاز ایلامی بوده است و «فراز و فرود آغاز ایلامی‌ها در خاور نزدیک را نمی‌توان بدون نگاهی بر تجارت دوربرد ایشان دریافت»<sup>۱</sup> دچار افول شدند، در مراکز اصلی آن‌ها رکود ایجاد گردید اما به‌طور کامل از بین نرفتند. چرا که «بر اساس الگوهای مدرن اقتصادی، به احتمال تجارت و تغییرات در تولید کالا و سازمان دهی کار، به همان اندازه که در مورد عصر مدرن نیز ثابت شده است، عوامل اساسی تغییر در عصر باستان نیز بوده‌اند».<sup>۲</sup> بر این اساس این مراکز اصلی به استقرار ادامه دادند اما با فروکاست قدرت و در نتیجه تغییر روش در نحوه زندگی که خود را در میان آثار و شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد. این موضوع را با توجه به وجود محوطه‌های هزاره سومی چون ده نو در جنوب غرب و ژالیان و تل سوز و تل گپ کناره در جنوب می‌توان پی‌گیری کرد که نشان دهنده رونق همچنان این مناطق تا به قدرت رسیدن حکومت‌های قدرتمند ایلامی چون شیماشکی و سوکل مح که اطلاعات افزایش می‌یابد و حتی در محوطه‌های کاملاً متروکی چون گسر و چغامیش هم بازبایی دیده می‌شود، است. از سویی دیگر فاصله ایجاد گردیده در محوطه‌هایی همچون محوطه‌های فلات نیز احتمالاً به همین مسئله تجارت و تغییر در مسیرهای تجاری برمی‌گردد. محوطه‌های مهم آغاز ایلامی چون سیلک، ازبکی و از همه مهمتر سفالین به دلیل بدست آمدن تعداد زیادی گل‌نوشته و داده‌های نوشتاری که پس از دوره آغاز ایلامی دچار رکود گردیده و اکثر آن‌ها فاصله ای تا دوره آهن را دارند، می‌تواند به کم شدن قدرت آغاز ایلامی‌ها بر اثر تغییر مسیرهای تجاری و از بین رفتن نیاز به حسابرسی یا همچنین مسایل زیست‌محیطی، نهفته باشد (البته کاوش‌های جدید در محوطه تپه درازه تقی‌آباد که اطلاعات جدیدی از توالی مفرغ به آهن را نشان می‌دهد، می‌تواند نگرشی جدید را در ارتباط با شمال فلات مرکزی به وجود آورد.<sup>۳</sup> محوطه حصار در شمال فلات به سمت مسیری حرکت داشت که در میانه راه از گودین می‌گذشته و سپس به غرب می‌رفته است. به همین دلیل نیز این

1. Alden, "Trade and politics in Proto- Elamite Iran", 622-627.

۲. الغازه، میان‌رودان باستان در سپیده دم تمدن، ص ۶۷.

۳. حصاری، گزارش مقدماتی کاوش تقی‌آباد، منتشر نشده.

محوطه‌ها همچنان روند استقرار در آن‌ها حتی با تغییر اندک فرهنگی ادامه یافته و تجارت همچنان موجب رونق آن‌ها در طول هزاره سوم بوده است. محوطه گودین با داشتن توالی استقرار گسترده که حتی وجود داشتن استقرار آغازیلامی در آن به علت مشابه بودن معماری دوره آغازنگارش در آن با شوش و یحیی و ملیان و همچنین نهشته‌های همزمان با آغازیلامی مطرح شده است و ارتباطات آن با شوش و دیگر محوطه‌های آغازیلامی را می‌توان در نظر گرفت، هرچند دوره IV آن گرایشی را به سمت فرهنگ یانیق نشان می‌دهد اما در دوره بعدی یعنی III (فازهای ۵ و ۶) با توجه به شباهت سفال‌ها، دوباره به سمت شوش گرایش پیدا کرده و روابط خود را از سر می‌گیرد و مسیرهای تجاری آن رونق مجدد را در طول هزاره سوم نشان می‌دهد؛ اما به جز حصار دیگر محوطه‌های فلات احتمالاً از این مسیر جدید دور افتاده و با کم شدن قدرت آغازیلامی‌ها، آن‌ها نیز در مسیر اضمحلال قرار گرفته‌اند- البته در ارتباط با نبود توالی استقرار در محوطه‌های فلات می‌توان به مسایل زیست‌محیطی نیز اشاره نمود.<sup>۱</sup> در مقابل در مراکز دیگری که مسیرهای تجاری و اقلام آن‌ها بیشتر مورد پسند و قبول مراکز دریافت کننده این اقلام بود، جایگاه برتری یافتند، البته این با تغییر در روشهای حسابداری و تجاری چهره ای دیگر به خود گرفته بود. نوشتار که در واقع اهرمی در دست قدرتمندان دوره آغازیلامی برای پیشبرد مسایل مالی و تجاری بود، جایگاه اولیه خود را از دست داد - که احتمالاً به سطح سواد جوامع تازه تأسیس یا روشهای سهل تر نوشتار همچون علامت‌های روی سفالهای شهداد، برمی‌گشت - و می‌توان متصور شد که از روشهای ساده‌تر یا معمول تر محلی در آن جوامع، که کمتر احتیاج به روشهای حسابداری دوره آغازیلامی داشت، استفاده نمودند. این مراکز در شرق و در مسیرهای تجاری شرق به غرب بسیار بیشتر دیده می‌شوند از جمله در جنوب شرق یحیی، شهر سوخته، شهداد و کنارصندل و در شمال شرق همچنان محوطه حصار را می‌توان نام برد. برخی از دوره آغازیلامی و حتی قبل تر دارای استقرار بوده و در هزاره سوم نیز به روند استقرار ادامه داده و

---

۱. نک:

به علت تجارت گسترده جایگاه خاصی پیدا کردند و برخی دیگر در اثر ایجاد مسیرهای تجاری جدید و داشتن صنعت و اقلام مورد نیاز دیگر جوامع خواهان، استقرار یافته و به مراکز مطرح بدل شدند. اما از اینکه آغاز ایلامی از بین رفتند با توجه به ریشه دار بودن جایگاهشان بحثی غیر منطقی بوده، بلکه در قدرت دچار افول شده، کنترل هماهنگ تمامی مناطق آغاز ایلامی که گستره وسیعی را از غرب به شرق و از شمال به جنوب در بر می گرفت از حیثه قدرتش خارج شده<sup>۱</sup> و به شیوه های دیگر ادامه راه دادند.

از سوی دیگر «تحول اجتماعی همواره نتیجه الگوی تأثیر متقابل درون سرزمینی و برون مرزی است»<sup>۲</sup>؛ ارتباط و «وابستگی به همسایگان»<sup>۳</sup> نیز می تواند از جمله دلایل باشد. در اینجا آنچه که باعث قدرت یافتن بیشتر ایالت‌های شرقی و افول قدرت ایالت‌های مرکزی شد، روابط سومر بود؛<sup>۴</sup> سومری‌ها ناتوان از آزاد کردن شاهراه خراسان از دست مهاجمان یانیق / کورا- ارس که شمال لرستان را تحت فشار قرار داده و گودین تپه V/VII را نابود کرده بودند. -گودین تپه جنوبی‌ترین و شرقی‌ترین محوطه ای است که جوامع فرهنگ ماوراء قفقاز قدیم وارد آن شده‌اند. این جوامع در امتداد شاهراه / راه خراسان بزرگ و از همدان حرکت و در نهایت در گودین توقف می‌کنند. جذابیت این ناحیه به عنوان جنوبی‌ترین حوزه گسترش فرهنگ ماوراء قفقاز قدیم در زاگرس مرکزی وجود شبکه‌های گسترده تجاری و مبادله ای است. به نظر می‌رسد که احتمالاً مهاجران با کنترل بخشی از شبکه تجاری بر کنترل شاهراه تمرکز کرده‌اند. مهمترین این راه‌ها در امتداد بخش شرقی دریاچه ارومیه به سمت جنوب سرازیر و وارد زاگرس مرکزی می‌شده‌است. این راه ممکن است بخشی از مسیری بوده که لاجورد وارداتی از افغانستان می‌آمده‌است<sup>۵</sup> - و نیز عاجز از مواجهه با فرصت طلبی آغاز ایلامی‌ها، در دوره جمدهت نصر به خلیج فارس و تجارت

1. Mutin & Lamberg Karlovsky The Proto- Elamite settlement and Its Neighbors, p:214.

۲. الغازه، میان‌رودان باستان در سپیده دم تمدن، ص ۱۹۵.

3. Mutin & Lamberg Karlovsky The Proto- Elamite settlement and Its Neighbors, p:214.

۴. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص ۹۳.

۵. گوینیک و راثمن، در مسیر شاهراه: پژوهش‌های باستان شناختی در گودین تپه، ص ۱۷۹-۱۸۰.

با بحرین، عمان، کرانه‌های ایران و سرانجام منطقه سند روی می‌آورد.<sup>۱</sup> آلدن به این مسئله توجه می‌کند که با تغییر مسیرهای تجاری از جمله به دلیل حضور اقوام کورارس / یانیق در مسیرهای تجاری و انسداد شاهراه خراسان و مسدود شدن دسترسی دشت شوش به ارتفاعات از طریق گودین، دسترسی به جریان تجاری ایران شمالی شکسته شد؛<sup>۲</sup> از سوی دیگر سومر با بسته شدن این شاهراه و سختی تجارت مسیر زمینی که تحت کنترل آغاز ایلامی‌ها بود، به تجارت دریایی و توسعه حمل و نقل در خلیج فارس که تقریباً از دوره عبید شروع شده بود، گرایش پیدا کرد و به این ترتیب زمینه‌های افول آغاز ایلامی‌ها که ظهور و گسترش‌شان به تجارت وابسته بود، فراهم شد.<sup>۳</sup> مدارک مکتوب و اشیائی نیز از افزایش چشمگیر روابط تجاری با منطقه خلیج فارس موجود است که می‌توان تاریخ آن‌ها را به اندکی پس از آغاز سلسله قدیم III نسبت داد. اشاره‌هایی به دیلمون، مگن و ملوه شده است. ملوه دورترین فاصله را از سومر داشت و از تماس مستقیم این دو سرزمین در دوره سلسله‌های قدیم مدرکی در دست نیست. این ناحیه کالاهای فراوانی را که بیشترشان تجملاتی بودند تأمین می‌کرد.<sup>۴</sup> سومر به محض اینکه توانست از طریق واسطه‌های تمدن دره سند (ملوه باستانی) که از امتیاز حمل و نقل دریایی تا خلیج فارس بهره‌مند بود، به منابع معدنی شرق ایران و افغانستان دست یابد، اتکایش به ارتباط با ایران (مرکزی) نسبتاً کاهش یافت.<sup>۵</sup> همین که یکه‌تازی آغاز ایلامی‌ها در تجارت از میان رفت، افول آنان نیز آغاز شد<sup>۶</sup> - البته نظریه‌های مخالف و متفاوت این موضوع نیز وجود دارد<sup>۷</sup> (پاتس نظری مخالف آلدن دارد

۱. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص ۹۳ به نقل از آلدن ۱۹۸۲؛

Alden, "Trade and politics in Proto- Elamite Iran", 622-627.

۲. نک:

Alden, 1982; Weis & Yang, 1975.

۳. نک:

Alden, 1982.

۴. کرافورد، سومر و سومریان، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۵. استیون موری، «آیا ایران به منزله‌ی الدورادوی سومریان بوده است؟»، ص ۵۶.

۶. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص ۹۳ به نقل از آلدن ۱۹۸۲.

۷. همان، ص ۹۳-۹۹.

و لمبرگ کارلوسکی سقوط «ساختار دیوانی» را از دلایل افول فرهنگ آغاز ایلامی می‌داند). - با تغییر مسیر تجاری از راه‌های زمینی به دریایی محوطه‌های قرار گرفته در این مسیرها به سمت شرق کمرنگ شدند و رونق خود را از دست دادند در نتیجه محوطه‌هایی چون انشان و شوش نقش واسطه خود را از دست داده و در حد ادامه استقرار تا دوره بعدی باقی ماندند اما در مقابل محوطه‌های شرقی از جمله شهاداد، کنارصندل، شهرسوخته و یحیی که از طریق دریا راه به آن‌ها بود رونق فراوان گرفتند و بر اهمیتشان در طول هزاره سوم افزوده شد؛ گرچه استقرارهای آغاز ایلامی تا حدی برچیده می‌شوند اما نمی‌توان حکم کرد که تمام مراکز متروک شدند؛ تاریخ بعدی آن‌ها متغیر بوده و هر یک می‌تواند بازتاب دهنده گستره‌ای از وضعیت‌های محلی باشد. افول تمدن آغاز ایلامی به معنی پایان انترناسیونالیسم / جهان وطنی ایرانی نبود. براستی نیز در حالی که شواهد برای تداوم یک نظام دیوانی منسجم ناپدید می‌شود، همسانی‌های ریخت‌شناسی در مقولات دیگر، مانند دست‌ساخت‌ها، افزایش می‌یابد و از سوی دیگر نیز شاهد رشد شمار اشیاء صادر شده هستیم. سفال‌های نوع دوم شوش، که شاید بتوان عصر شکوفایی آن را میانه هزاره سوم دانست، از شوش تا لرستان و ژالیان / جلیان یافت شده است. همزمان ظروف کلریت، ظروف ساده کلسیت، اسلحه و ابزارهای مسی و دیگر اشیاء متمایز در همان نواحی شروع به پیدایش می‌کنند که پیش از این در اشغال آغاز ایلامی‌ها بود و آن سوتر تا بلوچستان و آسیای میانه نیز یافت می‌شوند. برخی از این اشیاء به سومر نیز صادر می‌شد که کماکان برای مواد خام وابسته به شرق بود.<sup>۱</sup>

آنچه که در این میان بسیار مهم است وجود نشانه‌های زبان‌شناسی از فاصله زمانی پس از آغاز ایلامی به عنوان ایلام و ایالت‌های ایلامی در متون میان‌رودانی است. تقریباً در همان زمانی که پسروری در محوطه‌های آغاز ایلامی دیده می‌شود یعنی حدود ۲۸۰۰-۲۷۰۰ ق م، در کتیبه‌های میان‌رودانی به طور کاملاً مشخص به ایلام اشاره می‌شود؛ و این اشاره به ایلام و ایالت‌های آن ارتباط با شاهان سلسله‌های اولیه از قدیمی‌ترین‌ها چون انمبرگیسی و انمرکر و لوگل بند تا

---

۱. همان، ص ۹۸-۱۰۰.

متاخرترین آن‌ها در سلسله قدیم سه چون اَناتوم بارز و مشخص است و تا دوره اَکد در میان رودان که سالنامه‌های شاهان آن دوره این موضوع معمول می‌شود، ادامه دارد.<sup>۱</sup>

جالب تر آن است که این موضوع خود را به صورتی نشان داده که بیشتر جنبه تجاری و خصمانه داشته و نشان دهنده این موضوع می‌تواند باشد که ایالت‌های ایلامی آنچنان قدرتمند بودند که ارتباط با آن‌ها یا جنگ و پیروزی بر آنها در کتیبه‌های شاهان میان‌رودانی ذکر می‌گردید. همه این موارد آیا نمی‌تواند نشان از قدرت سرزمین‌های شرقی میان‌رودان باشد؟ نشانه‌های زبان‌شناسی در این زمینه کاملاً فاصله بین نبود اطلاعات از دوره پس از آغاز ایلامی را پر می‌کند و می‌تواند اطلاعاتی را هرچند محدود از ایالت‌های ایلامی در اختیار قرار دهد که در خود فلات ایران با خاموش شدن داده‌های نوشتاری روبه‌رو هستیم. فاصله زمانی نوشتار آغاز ایلامی تا ایلامی خطی در دوره ایلام قدیم- نوشتار ایجاد شده توسط آخرین شاه اَوان، پوزوراینشوشینک<sup>۲</sup> - همچنان نامشخص است و هیچ ارتباطی را نمی‌توان بین این دو برقرار کرد، اما کتیبه‌های میان‌رودانی چیزی دیگر می‌گویند و از وجود ایلام و ایالت‌های ایلامی ما را با خبر می‌سازند آن هم دقیقاً زمانی که اطلاعات ما اندک است.

منطقه ای بودن و ایالتی بودن دوره آغاز ایلامی که خود «یکی از نمادهای بارز انترناسیونالیسم/ جهان وطنی است»،<sup>۳</sup> در مرحله بعد از آن نیز دیده می‌شود اما به‌طور کلی نمی‌توان به یک اجماع کلی در شکل و رنگ و فرم سفالها در تمامی مناطق آغاز ایلامی رسید. شاید در میان هرچندتا از محوطه‌ها شباهتهایی دیده شود؛ مثلاً جنوب شرق که سبک تصاویر مهری تا حدودی مشابه، در میان برخی از محوطه‌های آن دیده می‌شود یا سفالهای منقوش سبک دوم شوش که شباهت به گونه‌های غرب - لرستان / گودین- دارند، اما در مجموع ویژگی‌های کلی و یکدست چه در سفال و چه در مهر یا معماری که در دوره آغاز ایلامی بارز و مشخص بود را نمی‌توان در

۱. نک:

D.Potts 1999; Woodard 2004; Kramer 1972; Selz 1991; Frayne 1998.

۲. نک: پاتس ۱۳۹۷؛ استولپر ۱۳۸۹؛ دال ۱۳۹۴؛ د. پاتس ۱۳۸۵؛ Hinz 1964.

۳. پاتس، ایران در اسناد میان‌رودانی، ص، ۹۴.

دوره بعد در بین تمامی محوطه‌ها با هم دید. افول دولت و محوطه‌های آغاز ایلامی و کنار گذاشتن شاخصه‌های فرهنگی اصلی چون سفال و مهر، درباره نگارش نیز صدق می‌کند. آغاز ایلامی‌ها که برای ارتباطات تجاری با مراکز دور و نزدیک به ایجاد نوشتاری در جهت کمک به حساسی در سیستم نظارتی و جمع داری دست زده بودند و توانسته بودند شرایط یکسانی را در این زمینه در ایالت‌هایشان و همچنین مراکزی که با آن‌ها در ارتباط بودند، ایجاد کنند؛ با کم شدن قدرتشان و شاید کنار رفتن افراد فرهیخته در این زمینه، نوشتارشان نیز حفظ نگردید و تاکنون ارتباطی بین نگارش آغاز ایلامی با ایلامی خطی بدست نیامده؛ این شاخصه نیز همچون دیگر شاخصه‌های فرهنگی دوره آغاز ایلامی بر اساس اطلاعات تاکنون بدست آمده، کنار گذاشته شد. در مجموع هرچند استقرار در محوطه‌ها ادامه یافته اما هر منطقه با ویژگی‌های مربوط به خود ادامه راه داده است - در ادامه راه آغاز ایلامی سه منطقه (جنوب غرب و لرستان، منطقه جنوب از کرمان به سمت شرق و جنوب شرق و منطقه شمال فلات مرکزی از حصار به سمت شمال شرق) دارای مهمترین محوطه‌ها بوده که برخی از دوره آغاز ایلامی و حتی پیش تر ادامه یافته‌اند - و این ادامه استقرار و وجود ایالتها را در متون بازمانده از دولتهای میان‌رودانی در این برهه زمانی می‌توان باز یابی کرد. متون بازمانده از برهه زمانی پس از آغاز ایلامی در میان‌رودان بارها به نام ایلام و سایر ایالت‌های دیگر فدرال ایلام اشاره داشته‌اند از یکی از قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به اینبرگیسی که مستقیماً به ایلام اشاره دارد تا دوره اکد که متون روشن‌تر و واضح‌تر از ایلام و ایالت‌های ایلامی نام می‌برند. این دقیقاً زمانی است که به لحاظ نوشتاری نمی‌توانیم فاصله ایجاد شده بین نوشتار آغاز ایلامی و ایلامی خطی را پر کنیم؛ متون میان‌رودانی این فاصله را پر کرده و به‌طور واضح و صریح به ایلام و سایر سرزمینهای ایلامی و حضور آن‌ها به عنوان یک قدرت اشاره دارند.<sup>۱</sup>

۱. نک:

Zadok 1994-1995; D.Potts 1999; T.Potts 1994; Steible 1982.

**نتیجه:**

با توجه بررسی‌ها مشخص می‌شود که تغییرات برخی شاخصه‌های اصلی آغازایلامی به دوره بعد از آن کاملاً آشکار بوده تا حدی که اکثر ویژگی‌ها، شکل و مشخصه دیگری یافته‌اند یا کاملاً کنار گذاشته شده‌اند. این موضوع در مناطق مختلف در صورت چهره‌های متفاوتی، خود را نشان داده و آن یکپارچگی ویژگی‌های آغازایلامی در دوره بعد از آن قابل رویت نیست؛ اما هماهنگی‌هایی در مناطق به صورت جداگانه دیده می‌شود، مناطق جنوب غرب و غرب از یک سو، جنوب شرق از سوی دیگر و حصار و شمال شرق در طرفی دیگر، که وجود یافته‌های باستان‌شناسی به ارتباطات همه این مناطق با هم اشاره دارد. از سوی دیگر علی‌رغم اینکه یافته‌های زبان‌شناسی در دوره آغازایلامی و پس از آن توالی یا تطوری را نشان نمی‌دهد اما اطلاعات زبان‌شناسی دست آمده از میان‌رودان این فاصله را پر کرده و کاملاً روشن و واضح به وجود ایلام و ایالت‌های آن در دوره خاموش اطلاعات اشاره می‌کنند و در این فاصله زمانی از وجود ایلام به صورت قدرتی مهم خبر می‌دهند؛ این موضوع می‌تواند در گسترشات محوطه‌هایی که شواهدی از آن‌ها در دست است نهفته باشد. اما همچنان سولاتی مطرح است که ذهن را درگیر می‌کند؛ پس با داشتن چنین محوطه‌هایی با چنین رونق تجاری به ویژه در شرق، چرا روند سیستم اداری دوره آغازایلامی با وجود گسترش این محوطه‌ها در آن ادامه نیافته است؟ اگر آغازایلامی‌ها قدرتشان به هر دلیل از جمله تغییر مسیرهای تجاری در محوطه‌های مرکزی کم شد، چرا در این محوطه‌ها که پیشینه هم داشتند ادامه راه ندادند؟ آیا قدرت مرکزی آن‌ها از شوش یا ملیان کم شده بود و توانایی اعمال قدرت بر این مراکز را نداشت؟ آیا گستردگی جغرافیایی دوره آغازایلامی در هنگام افول آن باعث شده که از اعمال قدرت و تسلط بر مناطق دورتر جلوگیری کند؟ اگر این سیستم کارآمد بود، پس چرا پس از کم شدن قدرت مرکزی در دیگر مناطق همچنان ادامه نیافت؟ آیا این موضوع به نداشتن سواد یا کنارگذاشتن فرهیختگان در این زمینه می‌شد؟ یا نبود مخاطب متخصص در محوطه‌ها یا مراکزی که گیرنده یا سوی مقابل این تجارت‌ها بودند باعث از بین رفتن این سیستم بسیار غنی و کارآمد شد؟ این گزینه آخر می‌تواند دلیلی قابل توجه باشد که با یافت شدن



نشانه‌های روی سفال‌های شهداد و دیگر محوطه‌های شرقی یا نمونه گل نوشته کنارصندل بیشتر و بیشتر خود را نشان می‌دهد. این‌ها و بیشتر از اینها، همه سوالاتی است که پاسخ به آن‌ها می‌تواند بسیاری مشکلات مربوط به این دوره را حل نماید.

### منابع و مأخذ:

- آمیة الف، پی. یر. «روابط ایران و بین‌النهرین از ۳۵۰۰ - ۱۶۰۰ ق م». در *بین‌النهرین و ایران باستان*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت. ۱۳۸۹.
- آمیة ب. پی. یر. *شوش شش هزارساله*. تهران: نشرفرزان روز. ۱۳۸۹.
- استولپر، ماتيو ولفانگ. *تاریخ ایلام*. ترجمه شهرام جلیلیان. تهران: انتشارات توس. ۱۳۸۹.
- استیون موری، پیتر راجر. «آیا ایران به منزله‌ی الدورادوی سومریان بوده است؟». در *بین‌النهرین و ایران در دوران باستان*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت. ۱۳۸۹.
- اسکندری، نصیر؛ نادرعلیدادی سلیمانی و مهری جوادی. «باستان‌شناسی پیش از تاریخ در جنوب شرق ایران». در *هشتاد سال باستان‌شناسی ایران*. جلد اول. تهران: نشر پازینه با همکاری موزه ملی ایران. ۱۳۹۱.
- اشمانت-بسرائ، دنیز. *نگارش چگونه پدید آمد*. ترجمه علی اکبر وحدتی. تهران: انتشارات شاپیکان. ۱۳۹۵.
- اکبری، حسن و حصارى، مرتضى. «پیدایش نگارش در ایران». *مجله مطالعات ایرانی*، ش ۶، ۱۳۸۳، ص ۲۷-۴۶.
- الغازه، گیلرمو. *میان‌رودان باستان در سپیده‌دم تمدن*. ترجمه زهره عطایی آشتیانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۹۷.
- پاتس، دنیل. *باستان‌شناسی ایلام*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت. ۱۳۸۵.
- پاتس، دنیل. «کاسه‌های لبه‌واریکته و نان‌پزی‌ها». ترجمه نصیر اسکندری و سعدی سعیدیان. *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*. سال سوم و چهارم، ش ۶ و ۷، ۱۳۹۱، ص ۵۶-۷۱.
- پاتس، تیموتی. اف. *ایران در اسناد میان‌رودانی، هزاره سوم و دوم پیش از میلاد*. ترجمه خشایار بهاری. تهران: نشرفرزان روز. ۱۳۹۷.

- حصاری، مرتضی. «فرهنگ آغاز ایلامی در ایران». *مجله باستان‌پژوهی* ش ۵ و ۶، ۱۳۷۸، ص ۱۴-۲.
- حصاری، مرتضی. *شکل‌گیری و توسعهٔ آغاز نگارش در ایران*. تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- حصاری، مرتضی. «دوره آغاز نگارش در شرق دشت ری، مرکز فلات ایران». در *مفاخر میراث فرهنگی ایران، جشن نامه دکترصادق ملک شه‌میرزادی*. به کوشش مرتضی حصاری. ناشر پژوهشگاه میراث فرهنگی. ۱۳۹۴.
- حصاری، مرتضی. «دوره آغاز نگارش ایران». در *تاریخ جامع ایران*. جلد اول. تهران مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴.
- حصاری، مرتضی. *گزارش مقدماتی کاوش تقی‌آباد*. منتشر نشده. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۷.
- دال، یاکوب. «ارزیابی دوباره نگارش آغازین». ترجمه پارسا دانشمند. *اثر*. ش ۶۸، ۱۳۹۴، ۱-۹ رایت، هنری. «پسکرانه های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستین». در *باستان‌شناسی غرب ایران*. ترجمه زهرا باستی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- رفیق مغول، محمد. «پیوندهای فرهنگی سند و پنجاب با ایران در دوران پیش از تاریخ (۵۰۰۰-۱۰۰۰ ق م)». ترجمه سید منصور سیدسجادی. *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. ش ۴، ۱۳۶۹، ۱۵-۳۰.
- رید، جولین. *بین‌النهرین*. ترجمه آذر بصیر. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- سرلک، سیامک. *فرهنگ هفت هزارساله شهرقم*. قم: انتشارات نقش، ۱۳۸۹.
- سرلک، سیامک. *باستان‌شناسی و تاریخ قم*. قم: انتشارات شاخص، ۱۳۹۰.
- شاخت، رابرت. «فرهنگ‌های تاریخی اولیه». در *باستان‌شناسی غرب ایران*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت، ۱۳۸۲.
- کالینز، پال. *کوه‌ها و دشت‌ها: ایران باستان و بین‌النهرین*. ترجمه عباس مقدم. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. ۱۳۹۶.
- کرامر، سمیوئل. نوآ. *الواح سومری*. ترجمه داود رسائی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
- کرافورد، هریت. *سومرو سومریان*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت، ۱۳۸۷.
- کرتیس، جان. *بین‌النهرین و ایران در دوران باستان*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت، ۱۳۸۹.

- گوپنیک، هیلاری و راٹمن، میچل. *در مسیر شاهراه: پژوهشهای باستان شناختی در گودین تپه*. ترجمه محمدامین میرقادری و هادی صبوری. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۵.
- علیزاده، عباس؛ احمد زاده، لقمان و امیدفر، مهدی. *سیستمهای استقراری و فرهنگهای باستانی دشت رامهرمز*. ترجمه ماندانا کرمی و رامین یشمی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۵.
- مجید زاده، یوسف. *سومین فصل حفريات باستان شناختی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ*. سازمان میراث فرهنگی کشور- پژوهشکده باستان شناسی، ۱۳۸۲.
- مجیدزاده، یوسف. *کاوشهای محوطه باستانی ازبکی*. تهران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۹۰.
- منصوری، فیروز. «سرزمین آرت». *مجله میراث فرهنگی*. ش ۱۳۷۱، ۵، ۶۶-۷۸.
- نیسن، هانس. یورگ. «زمینه ظهور نگارش در بین النهرین و ایران». *در بین النهرین و ایران در دوران باستان*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- یغمایی، احسان. *کاوشهای باستان شناسی نجات بخشی در تپه حصار دامغان، پاییز و زمستان ۱۳۷۴*. نشست تخصصی آغاز نگارش در مرکز فلات ایران. موزه ملی، ۱۳۹۰.
- Abdi, Kamyar. (2001). *Malyan1999. Iran*, (30), 73-98.
- Alden, John et al. (1982). Trade and politics in Proto- Elamite Iran. *Current Anthropology*, 23(6), 613-640.
- Alizadeh, Abbas. (2010). the Rise of the Highland Elamite in Soudwestern Iran. *Current Anthropology*, 51(3), 353- 376.
- Basello, Gian. Pietro. (2006). The Tablet from Konar Sandal (Jiroft).
- Brentjes, Burchard; Tosi. Maurizio. (1983). On Proto- Elamite Iran. *Current Anthropology*, 24, 240-241.
- Carter, Elizabeth. (1998). the Achaeology of Elam. in *Encyclopaedia Iranica*. Edit by Ehsan Yarshater, VIII, 313-325.
- Caldwell, J.R. (1968). Tall.i Ghazir. *Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatische Archaolog*, 3, 319-355.
- Dahl, J.L. (2007/2010). *Deciphering Proto- Elamite*. RAI 51 Chicago.
- Dahl, J.L. Hessari, Mortaza & Yousefi Zoshk, R. (2012). The Proto-Elamite Tablets from Tape Sofalin. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 2(1), 54-73.
- Dahl, J.L. Petrie. A.C. Patts. D.T. (2013). Chronologocal Paramenters of the earliest writing system in Iran. In *Ancient Iran and its Neighsburg*. Oxbow Books, Oxford, UK, 353- 378.
- Dyson, R. Howard, S (1989). *Tappeh Hesar, Report of the Restudy Project 1976*. Firenze.
- Delougaz, Pinhas, Kantor, Helene J. (1996). *Chogha Mish: The First Five Seasons of Excavations, 1961-1971*. Edited by Abbas Alizadeh. Publication 101, Vol 2. Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago

- Englund, Robert. (1998). "Elam III. Proto-Elamite", in: *encyclopedia Iranica*, VIII (3), 325-330.
- Frayne, Douglas.R. 1998. New light on the reign of Išme-Dagān. *Assyriologie und vorderasiatische Archäologie*, 88(1), 6-44.
- Gelb, I.J & Kienast.B. (1990). *Die Altakkadischen Königsinschriften des Dritten Jahrtausends V.Chr.* Franz Steiner Verlag Stuttgart.
- Girshman, R. (1934). The Tablette Proto-Elamite du Plateau Iranien. *Revue d Asstriologie*, XXXI, 115-119.
- Hessari, Morteza. (2011). New Evidence of the Emergence of Complex Societies Discovered on the Central Iranian Plateau. *Iranian Journal Of Archaeological Studies*, 1(2), 35-48.
- Hessari, Morteza; Saeedi, Sepideh (2017). New Perspektive from the Proto- Elamite Horizon in the Center of the Iranian Plateau. *The Internationa of Humanities*, 24(4), 33-42.
- Hinz, Walther. (1964). *Das Reich Elam*. Stuttgart.
- Kramer, N. Samuel. (1959). *History Begins at Sumer*. Doubleday Anchor Books. New York.
- Kramer, N. Samuel. (1972). *the Sumerians*. The University of Chicago Press.
- Lamberg Karlovsky. C.C. (1970). *Excavation at Tape Yahya 1967-1969*. Cambridge, Massachusetts.
- Lamberg Karlovsky.C.C (1970). Excavation at Tape Yahya: New Discoveries in the Persian Gulf States and Relations with Artifacts from Countries of the Ancient Near East. Bahrain.
- Lamberg Karlovsky. C.C. (1976).The Third Millennium at Tepe Yahya. A Preliminary Statement. *Archaeological Research in Iran*. 71-84.
- Mutin. Benjamin and Karlovsky. Lamberg. (2013). *The Proto- Elamite settlement and Its Neighbors*. Pblcathin by the American School of Prehistoric Research.
- Oppenheim, A.L. (1964). *Ancient Mesopotamia*. The University of Chicago press.
- Pittman, H. (1997). The Administrative Function of Glyptic Art in Poroto – Elamite Iran: a survey of the Evidence. *Sceaux d Orient et leur emploi ROS Orientals*. Vil X, 133-161
- Potts, D.T (1999). *The Archaeology of Elam*. Cambridge University Press. Cambridge.
- Potts, Timothy. (1994).*Mesopotamia and the East, an Archaeological and Historical Study of Foreign Relations Ca.3400-2000BC*.Oxford University Committee for Archaeology Monograph 37.
- Rothman, Mitchel. (2013). Interpreting the rol of Godin Tepe in the Uruk expansion. In *Ancient Iran and its Neighsburg*. Oxbow Books, Oxford, UK, 75- 92.
- Schmidt, F. (1937). *Excavations at Tepe Hissar, Damghan*. Phiadelphia .Publications of the Iranian section of the University Museum.

- Schmidt, A; Quigley, M; Fattahi, M; Azizi, Gh; Maghsoudi, M & Fazeli, H. (2011). Holocene Settlement Shifts and Palaeoenvironments on the Central Iranian Plateau: Investigating Linked System. *The Holocene* 21(4). 583-595.
- Scheil, Vincent. (1905). Documents en'écriture Poroto-Elamite. *MDP6*. E. Leroux. Paris.
- Steibel, H. (1982). *Die Altsumerischen Bau-und Weihinschriften I-II*. Wiesbaden: FAOS5.
- Stolper, Matthew. W. (1985). Proto Elamite Texts from Tall- I Malyan. *Kadmus*. Band XXIV. Heft 1.
- Sumner, William. (1985). The Proto- Elamite City Wall at Tall-i Malyan. *Iran* (23), 153-161.
- Tosi, Maurizio. (1976). Shahr-I Sukhta. *Iran*, XIV, 167-168.
- Vidale, M; Fazeli Nashli, H & Desset, F. (2018). The late prehistory of the northern Iranian Central Plateau (c. 6000–3000 BC): growth and collapse of decentralised networks. *Tagungen des Landesmuseums für Vorgeschichte Halle*. Band 18, 1-42.
- Weiss, T. Young, C. (1975). The MERCHANTS of Susa: Godin V and plateau – lowland Relations in the Late Fourth Millenium B.C. *Iran*, 13, 1-18.
- Whitcomb, Donald. (1971). The Proto Elamite at Tall-i Ghazire, Iran. Unpublished MA. Thesis. Athens/Georgia.
- Woodard, R.D. (2004). *World 's Ancient Languages*. Printed in the United Kingdom at the University Press, Cambridge.
- Zadok, Ran. (1994). Elamites and other Peapoles from Iran and the Persian Gulf Region in early Mesopotamian Sources. *Iran*, 32, 31-51.